

نوع مقاله: پژوهشی


مواجهه قرآن با برداشت‌های نمونه‌شناسانه مسیحی از داستان یونس علیه السلام

hesamghorbani766@gmail.com

حسام قربانی / کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران

اعظم پویازاده / دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران

puyazade@ut.ac.ir

 orcid.org/0000-0003-3528-291X

دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۱ - پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۰۴

چکیده

حضرت یونس علیه السلام از جمله شخصیت‌هایی است که هم در قرآن و هم در کتاب مقدس عبری از ایشان سخن به میان آمده است. داستان قرآنی یونس علیه السلام بیش از آنکه با داستان کتاب مقدس عبری همسو باشد، به داستان ایشان در نوشته‌های آبابی کلیسای سریانی که بازتابی از عقاید مسیحیان عصر نزول است، شباهت دارد. از همین رو می‌توان قرآن را در گفت‌وگو با این تفاسیر مسیحی از داستان یونس علیه السلام دانست. مطابق برداشت‌های مسیحی از برخی عناصر داستان یونس علیه السلام، سرگذشت ایشان در راستای مسیح‌شناسی استفاده می‌شود و بر این اساس پژوهش حاضر با استفاده از روش مطالعات تطبیقی و با رویکرد تحلیلی - تبیینی در پی پاسخی برای این پرسش بوده است که قرآن چگونه با برداشت‌های نمونه‌شناسانه مسیحی از داستان یونس علیه السلام در عصر نزول مواجهه داشته است؟ پاسخ به‌دست آمده این است که نه تنها قرآن نمونه‌شناسی مسیحی را انکار می‌کند، بلکه به‌نظر می‌رسد داستان پیامبران را در رابطه با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم روایت می‌کند و نمونه‌شناسی و پیامبرشناسی خاص خود را توسعه می‌دهد. همچنین با حذف بخش‌هایی از داستان یونس علیه السلام، که در میان مسیحیان رایج بوده، در جهت نفی یا کم‌اهمیت نشان دادن عقاید رایج مخالف با آموزه‌هایش گام برداشته است.

کلیدواژه‌ها: آبابی کلیسا، پیامبرشناسی قرآنی، سریانی، نمونه‌شناسی، یونس علیه السلام.

قرآن در محیطی خالی از فرهنگ و عقاید دینی نازل نشده، بلکه در میان مردمی با عقاید مختلف و برای اصلاح عقاید آنها نازل شده است. همان‌طور که قرآن در برابر عقاید خرافی و نادرست اعراب جاهلی زمان خود واکنش نشان می‌دهد، می‌توان انتظار داشت که در برخورد با افکار و عقاید دیگر مخاطبان خود، یعنی یهودیان و مسیحیان شبه‌جزیره عربستان نیز حرفی برای گفتن داشته باشد. شواهد متعددی را می‌توان در داستان قرآنی یونس علیه السلام یافت که همگی گواه مواجهه و گفت‌وگوی قرآن با تفاسیر مسیحی از داستان یونس علیه السلام است، نه آن داستانی که در کتاب مقدس عبری آمده است. یک شاهد لغت‌شناسانه (Philological) بر این ادعا، شکل قرآنی نام یونس علیه السلام است که با یونس آرامی - فلسطینی مسیحی (از یونانی *Ιωνάς*) مرتبط است، نه با واژه عبری یونا (*יֹנָתַן*). همچنین لقب قرآنی یونس علیه السلام (ذا النون) نیز یک زیرمتن مسیحی را منعکس می‌کند؛ زیرا «نون» به واژه سریانی *ܢܘܢܐ* (nūnā) اشاره دارد و به واژه عبری *דָּגָא* (dāgā) ارتباطی ندارد (رینولدز، ۲۰۱۰، ص ۱۲۹).

مواجهه قرآن با روایات پیشین از داستان یونس علیه السلام و به‌ویژه استفاده از مضامین و درون‌مایه‌های سنت مسیحی را می‌توان یک رابطه بینامتنی بین قرآن و متون پیشین دانست؛ رابطه‌ای که متن «ب» (قرآن) را به متن «الف» (متون روایات گذشته) پیوند می‌دهد و این ارتباط میان دو متن به‌گونه‌ای است که متن دوم (قرآن)، یا به آن ارجاع می‌دهد یا به آن اشاره می‌کند یا آن را مفروض می‌گیرد. کاملاً واضح است که در این رابطه، قرار نیست همه مؤلفه‌ها ثابت نگه داشته شوند؛ چراکه هر متن با مخاطب و زمانه خودش سخن می‌گوید و ارتباط برقرار می‌کند. مطابق تفاسیر و برداشت‌های مسیحی از برخی عناصر داستان یونس علیه السلام، ایشان نشانه‌ای برای مسیح علیه السلام در نظر گرفته می‌شوند و از سرگذشت یونس علیه السلام در راستای مسیح‌شناسی بهره‌برداری می‌شود. در نوشته‌های آبابی کلیسا که مورد بررسی قرار گرفت، یکی از مسائل مورد توجه در زمینه داستان یونس علیه السلام، برقراری ارتباط میان او و مسیح علیه السلام و به‌تعبیری تفسیر نمونه‌شناسانه از شخصیت یونس علیه السلام است. قرآن کریم نیز با اشاره به داستان یونس علیه السلام که در میان مسیحیان شبه‌جزیره رایج بوده، کوشیده است برخی از اجزا و عناصر این داستان را تأیید، اصلاح یا حذف و رد کند. بر همین اساس پژوهش حاضر کوشیده است که با استفاده از روش مطالعات تطبیقی و با رویکرد تحلیلی - تبیینی، داستان قرآنی یونس علیه السلام را در پرتو داستان ایشان در کتاب مقدس و با تکیه بر نگاه‌های آبابی کلیسای سریانی، که حاوی اشارات نمونه‌شناسانه است، تحلیل کند و در راستای دستیابی به پاسخی برای این سؤال که قرآن چگونه به تفسیر نمونه‌شناسانه مسیحی از داستان یونس علیه السلام واکنش نشان داده و با آن مواجهه داشته است، گام بردارد.

۱. پیشینه

موضوع مورد بحث پیشینه‌ای دیرینه در ادبیات مسیحی دارد و تحقیقات گوناگونی در این زمینه شکل گرفته است، اما بیشتر تحقیقات انجام شده از جهت گستره منابع بررسی شده دچار نقص بوده و عموماً محدود به همان اشارات و مطالب عهدینی هستند. از سوی دیگر، برخی پژوهش‌ها صرفاً بر پایه نگاه‌های آبابی کلیسا شکل گرفته‌اند. برای

نمونه، رابرت کیچن (Robert Kitchen) در پژوهشی که مسئله نمونه‌شناسی را در خطبه یعقوب سروجی (Jacob of Serug) مورد بررسی قرار داده است، به قرآن کریم توجهی ندارد. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از عهدین و تکیه بر مطالب آباء کلیسای سریانی، داستان قرآنی یونس علیه السلام را از حیث مسئله نمونه‌شناسی مورد خوانش قرار می‌دهد و از این جهت از پژوهش‌های پیشین متمایز است و نسبت به آنها نوآوری دارد.

۲. مفهوم‌شناسی

پیش از ورود به بحث، تعریف برخی مفاهیم و اصطلاحات به‌کاررفته، برای آشنایی بیشتر ارائه می‌شود.

۲-۱. پدران (آباء) کلیسا

کلمه «پدر» در عهد جدید به معنای معلم امور روحانی است که به‌وسیله آن، روح انسان دوباره به‌شکل مسیح متولد می‌شود. به‌نظر می‌رسد که از اولین معلمان مسیحیت، به‌صورت جمع با عنوان «پدران» یاد می‌شود (دوم پطرس، ۳: ۴). الهی‌دانان و نویسندگان مسیحی که دیدگاه‌ها و نگاه‌های ایشان، به‌ویژه درباره مسائل چالش‌برانگیز در زمینه ایمان و عمل، در قرون اولیه مسیحیت به‌عنوان آموزه‌های مسیحی مورد استناد دیگران قرار گرفته است، با عنوان «پدر کلیسا» شناخته می‌شوند. دامنه این دسته از افراد، بسیار گسترده است و مرزهای جغرافیایی و زمانی خاصی را نمی‌توان برای ایشان در نظر گرفت. ممکن است پدران به‌شيوه‌های مختلفی تقسیم‌بندی شوند. یکی از روش‌های مورد علاقه، تقسیم براساس زمان است که سه دوره زمانی را شامل می‌شود: پدران پیش از نقیه تا سال ۳۲۵م؛ پدران بزرگ قرن چهارم و نیمه قرن پنجم (۳۲۵-۴۵۱م)؛ و پدران بعدی، اما تقسیم‌بندی واضح‌تر، تقسیم‌بندی به شرق و غرب است که از جمله شرقی‌ها می‌توان به نویسندگان یونانی، سریانی، ارمنی و قبطی اشاره کرد (چاپمن، ۱۹۰۹، ج ۶ ص ۵-۱).

۲-۲. بینامتنیت

بینامتنیت روابط یک متن با متون دیگر را در الگوی بزرگ‌تر کنش‌های فرهنگی آنها مطالعه می‌کند و جایگاه بینامتنی یک متن، از روابط آن با سایر متون گذشته، حال و آینده ناشی می‌شود (اور، ۲۰۱۰، ص ۱). این واژه در اواخر دهه ۱۹۶۰م توسط جولیا کریستوا (Julia Kristeva) ابداع شد (اور، ۲۰۰۳، ص ۱). فرد دیگری که در این باره سخن گفته، ژرار ژنت (Gérard Genette, 2018)، نظریه‌پرداز ادبی و نشانه‌شناس است. ژنت بینامتنیت را «رابطه هم‌زمان بین دو متن یا در میان چند متن» و به‌عبارت دیگر، «حضور واقعی یک متن در متن دیگر» تعریف می‌کند (ژنت، ۱۹۹۷، ص ۵-۱). ژنت بینامتنیت خود را در سه دسته صریح و لفظی (اعلام‌شده)، کمتر صریح و غیرصریح (پنهان‌شده) و باز هم کمتر صریح (ضمنی) قرار می‌دهد. «بینامتنیت صریح» بیانگر حضور آشکار یک متن در متن دیگر است. از این منظر، «نقل قول» گونه‌ای بینامتنی شمرده می‌شود. بینامتنیت غیرصریح بیانگر حضور پنهان یک متن در متن دیگر است. این نوع بینامتنیت در پی آن است تا مرجع بینامتنی خود را پنهان کند و

این پنهان‌کاری به دلیل ضرورت‌های ادبی نیست؛ مانند سرقت ادبی. گاهی نیز مؤلف متن دوم قصد پنهان‌کاری بینامتن خود را ندارد و به همین دلیل نشانه‌هایی را به کار می‌برد که با این نشانه‌ها می‌توان بینامتن را تشخیص داد و حتی مرجع آن را نیز شناخت. از مهم‌ترین اشکال این نوع بینامتن، می‌توان به کنایات، اشارات و تلمیحات اشاره کرد (نامورمطلق، ۱۳۸۶، ص ۸۸-۸۹).

۲-۳. نمونه‌شناسی در الهیات مسیحی

«نمونه‌شناسی» یا Typology شیوه‌ای تفسیری در الهیات مسیحی است و در تعریف آن آمده است: آشکار کردن ارتباط تاریخی بین برخی حوادث، اشخاص یا اشیا در عهد قدیم و حوادث، اشخاص یا اشیای مشابه با آنها در عهد جدید [با محوریت عیسی مسیح ﷺ] (عزیز، ۱۳۹۵، ص ۳۷۳). برخی از مهم‌ترین انواع و نمونه‌ها در عهد قدیم را می‌توان چنین عنوان کرد: الف) اشخاص: هارون، آدم، داود، سلیمان، اشعیا، ملک‌یسدق و یونس ﷺ؛ ب) وقایع: نجات به‌وسیله کشتی نوح ﷺ، فراخوان از مصر، فراهم کردن منّا (اشاره به منّ و سلوی که در سفر خروج فصل ۱۶، فقرات ۱-۳۵ و همچنین، بقره: ۵۷؛ اعراف: ۱۶۰ و طه: ۸۰ آمده است)، توسط خدا، عبور از دریای سرخ و فصح؛ ج) مکان: کنعان، اورشلیم، کوه صهیون، معبد (هیکل) و خیمه (اسمیت، ۲۰۱۸، ص ۱۷-۱۸).

از این روش با عناوین دیگری چون تفسیر مثالی، تفسیر تمثیلی، گونه‌شناسی، نوع‌شناسی، پیش‌نمون‌شناختی (Prefiguring) و تفسیر تیپولوژیک نیز یاد می‌شود. در این شیوه، «نوع» (آنچه در ابتدا بوده؛ Type) به ترسیم «ضد نوع» (آنچه بعداً پدید آمده؛ Anti-type) می‌پردازد. به بیان دیگر، در «ضد نوع» ویژگی‌ها و صفاتی هست که پیش از آن در «نوع» نیز وجود داشته است و از این جهت «نوع» و «ضد نوع» با هم اشتراک و شباهت دارند.

۳. خاستگاه برداشت‌های نمونه‌شناسانه از داستان یونس ﷺ

نخستین اشارات در این زمینه را می‌توان در اناجیل پیگیری کرد. در اناجیل نُه مرتبه به نام یونس ﷺ اشاره شده است که از این میان پنج مرتبه آن در انجیل متی و چهار مرتبه دیگر نیز در انجیل لوقا آمده است. نخستین جایی که نام یونس ﷺ پدیدار می‌شود، آنجاست که رهبران مذهبی از عیسی ﷺ معجزه‌ای می‌خواهند. در این باره در انجیل متی می‌خوانیم:

آن‌گاه بعضی از کاتبان و فریسیان در جواب او گفتند: ای استاد! می‌خواهیم از تو آیتی بینیم. او در جواب ایشان گفت: فرقه شریر و زناکار آیتی می‌طلبند و بدیشان جز آیت یونس نبی داده نخواهد شد؛ زیرا همچنان که یونس سه شبانه‌روز در شکم ماهی ماند، پسر انسان نیز سه شب و سه روز در شکم زمین خواهد بود. مردمان نینوا در روز دوری با این طایفه برخاسته، بر ایشان حکم خواهند کرد؛ زیرا که به موعظه یونس توبه کردند و اینک بزرگ‌تری از یونس در اینجاست (متی، ۱۲: ۳۹-۴۱).

نکته مهم در زمینه درخواست کاتبان و فریسیان و پاسخ عیسی ﷺ آن است که این دو گروه به معجزات ارائه‌شده توسط عیسی ﷺ توجهی ندارند و معجزه و آیتی دیگر از وی می‌خواهند. از جمله معجزاتی که برای عیسی ﷺ

در عهد جدید بیان شده است، می‌توان به مواردی از این قبیل اشاره کرد: زنده کردن مردگان (متی، ۱۸: ۹-۲۶)؛ شفای بیماران (یوحنا، ۱: ۱۵-۱۶)؛ شفای نابینایان (متی، ۲۷: ۹-۳۴)؛ شفای جن‌زدگان (لوقا، ۸: ۲۶-۳۹)؛ خشکاندن درخت انجیر (متی، ۲۱: ۱۸-۲۲)؛ خارج کردن سکه از دهان ماهی (متی، ۱۷: ۲۴-۲۷) و راه رفتن بر روی آب (یوحنا، ۱۶: ۲۱-۲۱). در همین راستا، برخی، معجزاتی از قبیل شفا دادن را خارج از دسته نشانه‌ها قرار می‌دهند (الیوت، ۱۸۷۸، ج ۱، ص ۷۴). درباره نشانه یونس علیه السلام می‌توان چنین گفت که رستاخیز مسیح علیه السلام از مردگان با قدرت خود، همان علامت یونس علیه السلام است، که این امر دلیل بزرگی بر مسیح بودن عیسی علیه السلام در نظر گرفته می‌شود؛ با این توضیح که همان‌طور که یونس علیه السلام سه روز و سه شب در شکم ماهی بود و سپس دوباره زنده بیرون آمد، مسیح علیه السلام نیز مدت زیادی در قبر خواهد بود و سپس دوباره برمی‌خیزد (هنری، بی‌تا، ص ۱۵۰۰).

چنان‌که گذشت، عیسی علیه السلام از دو گروه کاتبان و فریسیان با دو صفتِ شریر و زناکار یاد می‌کند. آن‌گونه‌که از کتاب مقدس برمی‌آید، پیامبران رابطه واقعی بین اسرائیل و یهوه (خداوند) را در قالب رابطه زن با شوهرش نشان داده‌اند (ارمیا، ۳: حزقیال، ۱۶ و ۲۳؛ هوشع، ۱ و ۲). بنابراین «نسل زناکار» نسلی است که به پروردگار خود خیانت کرده است (الیوت، ۱۸۷۸، ج ۱، ص ۷۴). به بیان دیگر، رابطه یهودیان با خدا، اغلب به‌عنوان یک قرارداد ازدواج نشان داده شده است، که در این رابطه، خدا در جایگاه شوهر و قوم یهود در جایگاه زن قرار دارند (ارمیا، ۳: ۱۴). براین اساس، شاید بتوان مراد عیسی علیه السلام از فرقه زناکار را پیمان‌شکنی، خیانت و بی‌وفایی بنی اسرائیل دانست. در جای دیگری از انجیل متی نیز به درخواست آیتی آسمانی توسط دو گروه صدوقیان و فریسیان اشاره شده است؛ چنان‌که آمده است:

آن‌گاه فریسیان و صدوقیان نزد او [عیسی علیه السلام] آمده، از روی امتحان از وی خواستند که آیتی آسمانی برای ایشان ظاهر سازد. ایشان را جواب داد که در وقت عصر می‌گویند هوا خوش خواهد بود؛ زیرا آسمان سرخ است؛ و صبحگاهان می‌گویند امروز هوا بد خواهد شد؛ زیرا که آسمان سرخ و گرفته است. ای ریاکاران! می‌دانید صورت آسمان را تمییز دهید؛ اما علامات زمان‌ها را نمی‌دانید! فرقه شریر زناکار آیتی می‌طلبند و آیتی بدیشان عطا نخواهد شد، جز آیت یونس نبی علیه السلام. پس ایشان را رها کرده، روانه شد (متی، ۱۶: ۱-۴).

نکته شایان ذکر درخصوص علت درخواست آیتی آسمانی آن است که بنی اسرائیل با آیات آسمانی آشنایی داشتند و پیش از آن چنین آیاتی را مشاهده کرده بودند. بر همین اساس اگر عیسی علیه السلام مسیح بود، معجزات او همگی به زمین محدود نمی‌شد، بلکه او می‌توانست معجزه‌های را از آسمان نیز ارائه دهد (بارنز، ۱۹۴۹، ص ۲۶۷). در انجیل لوقا اشاره دیگری به یونس علیه السلام وجود دارد که با اشارات پیشین در انجیل متی هم‌مضمون است. در اینجا نیز به نشانه بودن یونس علیه السلام اشاره شده است و همچنین عیسی علیه السلام درباره بی‌ایمانی هشدار می‌دهد. در این زمینه آمده است:

و هنگامی که مردم بر او ازدحام می‌نمودند، سخن گفتن آغاز کرد که اینان فرقه‌ای شریرند که آیتی طلب می‌کنند و آیتی بدیشان عطا نخواهد شد، جز آیت یونس نبی علیه السلام - زیرا چنان‌که یونس علیه السلام برای اهل نینوا آیت شد،

همچنین پسر انسان نیز برای این فرقه آیتی خواهد بود - ملکه جنوب در روز داوری با مردم این فرقه برخاسته، بر ایشان حکم خواهد کرد؛ زیرا که از اقصای زمین آمد تا حکمت سلیمان [ص] را بشنود؛ و اینک در اینجا کسی بزرگ‌تر از سلیمان [ص] است. مردم نینوا در روز داوری با این طبقه برخاسته، بر ایشان حکم خواهند کرد؛ زیرا که به موعظه یونس [ص] توبه کردند؛ و اینک در اینجا کسی بزرگ‌تر از یونس [ص] است (لوقا، ۱۱: ۲۹-۳۲).

چنان‌که بیان شد، میان فقرات انجیل متی و لوقا درباره یونس اشتراک محتوایی وجود دارد و بر همین اساس بیشتر تفاسیر عهد جدید برای تفسیر این دسته از فقرات انجیل لوقا، به همان فقرات پیشین (متی، ۱۲: ۳۹-۴۱) ارجاع داده‌اند، اما باید توجه داشت که گزارش انجیل لوقا، از دو جهت با انجیل متی متفاوت است: نخست آنکه در انجیل لوقا توضیحی درباره نحوه تحقق نشانه یونس [ص] در سه روز و سه شب در دل زمین وجود ندارد؛ و دیگری جایگاه اشاره به ملکه جنوب است که بین نشانه یونس [ص] و قیام مردم نینوا قرار دارد (الیوت، ۱۸۷۸، ج ۱، ص ۲۹۸).

۴. یونس [ص]؛ نشانه مسیح [ص]

چنان‌که گذشت، مسئله نمونه‌شناسی درباره یونس [ص] در اناجیل ریشه دارد. مطابق تفاسیر و برداشت‌های مسیحی از برخی عناصر داستان یونس [ص]، ایشان نشانه‌ای برای مسیح [ص] در نظر گرفته می‌شوند و از سرگذشت یونس [ص] در راستای مسیح‌شناسی بهره‌برداری می‌شود. در نوشته‌های آبابی کلیسا یکی از مسائل مورد توجه در خصوص داستان یونس [ص]، برقراری ارتباط میان او و مسیح [ص] و به تعبیری تفسیر نمونه‌شناسانه از شخصیت یونس [ص] است. این امر چنان در آثار و نوشته‌های آبابی کلیسا رونق داشته است که یعقوب سروچی طولانی شدن خطبه‌اش درباره یونس [ص] را ناشی از بسیار بودن نمادهای یونس [ص] می‌داند و در گزارش خود مکرر از این نمادها برای برقراری ارتباط میان یونس [ص] و مسیح [ص] استفاده می‌کند. علاوه بر یعقوب سروچی، /فرم سریانی نیز در آثار خود به تفسیر نمونه‌شناسانه پایبند است و همواره در پی یافتن مشابهت میان شخصیت‌های عهدینی و عیسی [ص] است.

در ارتباط با نگاه‌های آبابی کلیسای سریانی، آثار دو نفر مورد بررسی قرار گرفت: /فرم سریانی و یعقوب سروچی. در مجموعه آثار /فرم، دو اثر متمایز درباره یونس [ص] و قومش وجود دارد: یکی از آنها ممرای (خطبه) او درباره «توبه نینوا» و دیگری مجموعه سرودهای (Hymns) او درباره «دوشیزگی» است که ضمن آن به سرگذشت یونس [ص] نیز اشاره دارد. همچنین یعقوب سروچی در خطبه‌ای (ممرای) طولانی به شرح و بیان سرگذشت یونس [ص] پرداخته است. می‌توان این ممرای را پس از ممرای ۵۳ درباره درد و آزمایش، و ممرای ۷۱ درباره شش روز (ایام سته)، طولانی‌ترین ممرای یعقوب سروچی به‌شمار آورد. براساس نسخه پاول بدجان (Paul Bedjan)، این ممرای در ۱۲۳ صفحه آمده و مشتمل بر چهار بخش، ۷۲ قطعه و ۲۵۴۰ خط، معادل ۱۲۷۰ بیت است. واژه «ممرای» (ܡܡܪܝܐ) در لغت معانی متعددی چون شعر (بروک، کیراز، ۲۰۱۵، مدخل ܡܡܪܝܐ)، سخن، گفتار، موعظه و خطبه (بین‌اسمیت، ۲۰۰۳، ص ۲۴۷) را دربردارد. ممرای نام یک قالب شعری سریانی، متشکل از دوبیتی‌هایی با هجای متساوی است که معمولاً در ترکیب ۷+۷ هجا (شناخته‌شده به‌نام /فرم) یا ۱۲+۱۲ هجا

(شناخته‌شده به نام یعقوب سروجی) ارائه می‌شود. بسیاری از ممرها موعظه‌هایی در قالب شعرند؛ سبکی که مشخصه ادبیات سریانی است و عمدتاً در قرن پنجم تا ششم ارائه شده است (بروک، ۲۰۰۶، مدخل Memra).
در ادامه با بررسی مواجهه قرآن با برداشت‌های نمونه‌شناسانه مسیحی از داستان یونس علیه السلام، دو دیدگاه مسیحی و اسلامی - به‌طور خاص قرآن - را در این‌باره ارزیابی خواهیم کرد.

۴-۱. دیدگاه مسیحی

در بخش مفهوم‌شناسی و در تعریف «نمونه» بیان کردیم که در اصطلاح کتاب مقدس «نمونه» به‌معنای حادثه، شخص یا چیزی در عهد جدید است که شبیه آن در عهد قدیم به‌کار رفته؛ و از «تفسیر نمونه‌شناسانه» به آشکار کردن ارتباط تاریخی عهد قدیم با عهد جدید در برخی حوادث، اشخاص یا امور مشابه یاد کردیم. تا اوایل قرن هفدهم، تفسیر مثالی در نزد مفسران امری بدیهی بود؛ زیرا مبنای این نوع تفسیر، وحدت موضوعی بین عهد جدید و قدیم بود، اما از قرن هفدهم به بعد که نقد علمی کتاب مقدس آغاز شد و وحدت موضوعی کتاب مقدس زیر سؤال رفت، بنیان تفسیر مثالی / نمونه‌شناسانه نیز به‌هم ریخت (عزیز، ۱۳۹۵، ص ۳۸۰).

مفهوم وحی و کشف الهی در هر دو عهد یکسان است، اما این وحی در عهد قدیم ناقص بود؛ چون مخاطبان آن وحی قادر نبودند که تمام خواسته‌های وحی را تحقق بخشند و اتمام آن در عیسی مسیح علیه السلام بوده است. بنابراین خداوند علاوه بر اینکه قوم قدیم را رها نکرده، قوم جدیدی را به‌سوی خود فراخوانده است تا همه وعده‌هایی را که داده و عهدهایی را که بسته است، در آن قوم تحقق بخشد. به‌عبارت‌دیگر، خداوند با قربانی کردن مسیح علیه السلام، عهد جدیدی را در او قرار می‌دهد و کسانی را که به مسیح علیه السلام ایمان بیاورند، وارث همه عهدهای گذشته می‌داند. خلاصه کلام اینکه، همه خبرهای موجود در عهد قدیم، در مسیح علیه السلام و قوش تحقق یافت و این همان چیزی است که عهد جدید فهمید و به‌کمک آن توانست عهد قدیم را تفسیر کند (عزیز، ۱۳۹۵، ص ۳۸۷-۳۸۸).

در همین راستا، یونس علیه السلام از جمله شخصیت‌هایی است که به‌عنوان «نمونه‌ای» برای مسیح علیه السلام در نظر گرفته می‌شود. از یک‌سو یونس علیه السلام یکی از مهم‌ترین و قابل تشخیص‌ترین پیشگویی‌های مسیحایی را در عهد عتیق ارائه می‌دهد؛ و از سوی دیگر، صریح‌ترین اشاره برای ارائه چنین تفسیری از یونس علیه السلام را می‌توان کلام عیسی مسیح علیه السلام دانست. از این‌رو مفسران مسیحی همواره در تلاش بوده‌اند که با در نظر داشتن بسیاری از وجوه سرگذشت یونس علیه السلام، ارتباط او را با مسیح علیه السلام توضیح دهند. با توجه به بررسی‌های انجام‌شده، وجوه متعددی را می‌توان به‌عنوان شباهت میان یونس علیه السلام و مسیح علیه السلام در نظر گرفت، اما با عنایت به هدف این پژوهش، صرفاً به مواردی اشاره خواهیم کرد که مورد توجه نوشته‌های آبابی کلیسا - به‌مثابه یکی از مهم‌ترین منابع حاضر در میان مسیحیان عصر نزول - بوده است و از آن موارد در راستای تفسیر نمونه‌شناسانه سرگذشت یونس علیه السلام بهره جسته‌اند. با وجود این، در جدول شماره ۱ (ر. ک: دن، ۲۰۱۶؛ شباهت‌های عیسی - یونس) به‌صورت اجمالی به برخی از این نقاط تشابه اشاره شده است.

جدول ۱. برخی شباهت‌های بین یونسؑ و مسیحؑ

ردیف	یونسؑ	مسیحؑ
۱	اهل جلیل بود	اهل جلیل بود
۲	ورود به کشتی برای سفر به ساحل غربی	ورود به کشتی برای عبور به ساحل شرقی
۳	در انتهای کشتی به خواب رفت	در عقب کشتی به خواب رفت
۴	باد و طوفان شدید کشتی را تهدید می‌کرد	باد و طوفان شدید کشتی را تهدید می‌کرد
۵	ناخدای کشتی او را از خواب بیدار کرد و دربارهٔ هلاک شدن سخن گفت	شاگردان او را بیدار کردند و دربارهٔ هلاکت سخن گفتند
۶	تفتیش عقاید توسط ناخدای کشتی	محاکمه در برابر پیلاتس و سنهدرین
۷	عمداً خود را فدای کل خدمه کرد	عمداً خود را فدای تمام جهانیان کرد
۸	آرام کردن دریا	آرام کردن دریا و طوفان
۹	تجربهٔ قضاوت به دلیل گناه (خود)	تجربهٔ قضاوت به دلیل گناه (دیگران)
۱۰	غسل تعمید با حضور در میان دریا	غسل تعمید توسط یحیای تعمیددهنده
۱۱	از [چوب] کشتی به شکم نهنگ رفت	از [چوب] صلیب به قبر رفت
۱۲	ورود به شکم یا رحم از طریق دهان ماهی	تولد از باکره
۱۳	فرود به شؤل (به عبری: محل مردگان)	فرود به هادس (به یونانی: محل مردگان)
۱۴	گذراندن سه روز در شکم ماهی	گذراندن سه روز در قبر
۱۵	خروج از شکم ماهی	زنده شده از قبر
۱۶	هشدار به نابودی نینوا در چهل روز	چهل روز از رستاخیز تا عروج
۱۷	رساندن پیام توبه به ملتی غیریهودی	پیام توبه برای همه؛ یهودی و غیریهودی
۱۸	کدوی سایه‌دار؛ نماد وعده‌های عهد قدیم	[احکام] سایهٔ آن واقعیتی که می‌آید

۱-۴. موعظه به غیر یهودیان

نخستین شباهتی را که میان یونسؑ و مسیحؑ برقرار می‌شود، می‌توان موعظه به غیریهودیان ذکر کرد. بیشتر پیامبرانی که در عهد عتیق پدیدار می‌شوند، فرستاده شده‌اند تا اسرائیل را به سوی خدا برگردانند. یونسؑ یکی از معدود پیامبرانی است که نزد غیریهودیان فرستاده شده است. به گفتهٔ آگوستین، او [یونسؑ] مأموریت مسیحؑ برای غیریهودیان را پیش‌بینی و پیشگویی می‌کند. همچنین مانند مسیحؑ، موعظه برای غیریهودیان پس از «رستاخیز» یونسؑ اتفاق افتاد (بیل، ۲۰۱۴)، نه روشی که یونسؑ عیسیؑ را تجسم کرد). به بیان دیگر، در واقع ندای موعظهٔ یونسؑ برای غیریهودیان، تداعی گر نجات مسیحؑ برای همه است (اسکات، ۲۰۱۴، ص ۱۶۳).

افرم برای بیان این وجه شباهت، از شخصیت عهدینی دیگری نیز بهره می‌گیرد و شمعون را در مقابل یونسؑ قرار می‌دهد و می‌گوید: برخلاف یونسؑ که با اکراه نزد غیریهودیان رفت، شمعون با کمال میل رفت تا رسول آنها

باشد (سیروس، ۱۹۸۹، ص ۴۴۱). در اینجا یونس علیه السلام به جای شمعون، به عنوان رسول غیریهودیان به تصویر کشیده شده است.

۲-۱-۴. خواب یونس علیه السلام در کشتی

امر دیگری که به عنوان شباهت در نظر گرفته می‌شود، خواب در کشتی طوفان زده است. هنگام فرار یونس علیه السلام از خدا بر روی کشتی‌ای که به «ترشیش» می‌رفت، خداوند باد شدیدی به دریا فرستاد و طوفان شدیدی در دریا به وقوع پیوست؛ به طوری که نزدیک بود کشتی غرق شود...، اما یونس علیه السلام دراز کشید و به خواب عمیقی فرو رفت (یونس، ۱: ۵-۱) عیسی علیه السلام نیز مانند یونس علیه السلام با وجود طوفان سهمگین در دریای جلیل که آنها را غرق می‌کرد، در کشتی خوابید؛ که همه آنها با کلماتی مشابه توصیف شده‌اند: «و هنگامی که او در کشتی سوار شد... طوفان عظیمی در دریا برخاست؛ به طوری که کشتی با امواج پوشیده شد، اما او [عیسی علیه السلام] خواب بود» (متی، ۸: ۲۳-۲۴؛ مرقس، ۴: ۳۶-۳۸؛ لوقا، ۸: ۲۲-۲۳).

یعقوب سروچی نیز به این مشابهت اشاره می‌کند و با استفاده از آن، مسیر مسیح‌شناسی را در پیش می‌گیرد: «[یونس علیه السلام] از افسردگی خوابید. در واقع "راز" او را از نظر روحی در خواب گرفتار کرد؛ شاید به این دلیل که او شبیه پسر بود. [یونس علیه السلام] خوابی را که خداوند ما در دریا خوابیده بود، نشان داد. او مثالی برای دفن پسر در اعماق بود، وقتی که او را پایین آوردند. [خواب] او را به کشتی انداخت و مدتی طولانی خوابید» (بدجان، ۱۹۰۸، ج ۴، ص ۳۷۸).

در همین زمینه، افرم بیان می‌کند که خداوند یونس علیه السلام را به نینوا فرستاد تا مردم را بیدار کند، اما او در کشتی خوابید و مردم او را بیدار کردند. در جای دیگری بیان می‌کند که به جای مراقبت در خشکی و خواباندن شرارت، یونس علیه السلام به دریا رفت تا بخوابد و آب را بیدار کند (سیروس، ۱۹۸۹، ص ۴۴۵). بدین صورت، افرم به طور ضمنی خواب عیسی علیه السلام بر روی کشتی را یادآور می‌شود.

۳-۱-۴. تفتیش عقاید

تفتیش عقاید یونس علیه السلام توسط ناخدای کشتی و ملوانان (یونس، ۱: ۸-۱۰) و محاکمه عیسی علیه السلام در برابر پیلاتس و سنهدرین (متی، ۲۷؛ مرقس، ۱۵؛ لوقا، ۲۳؛ یوحنا، ۱۸-۱۹)، به عنوان یکی دیگر از اشتراکات سرگذشت یونس علیه السلام و عیسی علیه السلام در نظر گرفته می‌شود. ناخدای کشتی به پیلاتس تبدیل می‌شود؛ دست‌هایش را از خون یک فرد بی‌گناه می‌شوید و دعا می‌کند که اعدام قریب‌الوقوع یونس علیه السلام / عیسی علیه السلام برای محکوم کردن آنها برنگردد. در این راستا، یعقوب سروچی بیان می‌کند:

ملوانان به خاطر یونس از خدا خواستند که مبادا با خون مردی عادل هلاک شوند. قاضی نیز به خاطر پروردگار ما دست‌های خود را شست، مبادا با خون مقدسی که بی‌گناه بود، آلوده شود. ملوانان به دنبال بازگشت به خشکی بودند، اما نتوانستند آن عبوری را از گرداب نجات دهند. قاضی بیش از حد به خاطر نجات‌دهنده ما تحریک شد و

یونس فرو رفت و نینوا را از اعماق نجات داد؛ و پروردگار ما نیز آدم را از گرداب نجات داد. دفن یونس در دفن مسیح نوشته شد و این راز، پسر عبرانیان را به دریا فرستاد. سخنی شگفت‌انگیز و سکوتی تعجب‌برانگیز است که آنها دفن شدند؛ یونس در حالی که زنده بود و پروردگار یونس در حالی که همه را زنده کرد. دفن‌شده‌ای را کجا دیده‌اید که دعا کند جز یونس؟ یا کشته‌شده‌ای که مردگان را زنده کند، مگر پروردگار ما؟ یونس در این مسیر پر از اسرار دوید و به همین دلیل ممرای او بر ما برتری یافت (بدجان، ۱۹۰۸، ج ۴، ص ۴۲۳).

دربارهٔ ارتباط این ماجرا با رستاخیز عیسی علیه السلام می‌توان گفت: پس از آنکه عیسی علیه السلام به صلیب کشیده شد، فردی به نام یوسف، که یکی از اعضای محترم شورای یهود و در انتظار پادشاهی خدا بود، نزد پیلاتس رفت و پیکر عیسی علیه السلام را از او خواست. پس از آنکه پیلاتس از درگذشتن عیسی علیه السلام بر روی صلیب مطمئن شد، پیکر او را به یوسف داد. یوسف کتان لطیفی خرید و جنازهٔ عیسی علیه السلام را پایین آورد و در آن پیچید و در مقبره‌ای که از سنگ تراشیده شده بود، قرار داد و سنگی جلوی در آن غلتانید. مریم مجدلیه و مریم مادر یوشا دیدند که عیسی علیه السلام کجا گذاشته شد. پس از پایان روز سبت، مریم مجدلیه، مریم مادر یعقوب و سالومه روغن‌های معطری خریدند تا برونند و بدن عیسی علیه السلام را تدهین کنند و صبح زود روز یکشنبه، درست بعد از طلوع آفتاب، به سر قبر رفتند. آنها به یکدیگر می‌گفتند: «چه کسی سنگ را برای ما از جلوی قبر خواهد غلتانید». وقتی خوب نگاه کردند، دیدند که سنگ بزرگ از جلوی قبر به عقب غلتانده شده است. پس به داخل مقبره رفتند و در آنجا مرد جوانی را دیدند که در طرف راست نشسته و لباس سفید بلندی در بر داشت. آنها متحیر ماندند، اما او به آنان گفت: «تعجب نکنید. شما عیسی ناصری مصلوب را می‌جوید. او زنده شد و دیگر در اینجا نیست...» (مرقس، ۱۵-۱۶). ماجرای به‌صلیب کشیده شدن و رستاخیز عیسی علیه السلام در اناجیل دیگر نیز آمده است (ر.ک: متی، ۲۷-۲۸؛ لوقا، ۲۳-۲۴؛ یوحنا، ۱۹-۲۱).

البته برخی به این نشانه اشکال وارد کرده‌اند و به عدم شباهت عیسی علیه السلام و یونس علیه السلام در این مورد اعتقاد دارند. از جمله آنکه گفته‌اند:

اگر یونس سه روز و سه شب زنده بوده، پس عیسی نیز همچنین باید در قبر زنده باشد؛ همچنان که خودش آن را پیشگویی کرده بود! اما مسیحیت به طناب سست و پوسیدهٔ باور به اینکه مرگ عیسی رستگاری آنها را تضمین کرده است، آویزان‌اند. بنابراین مسیحیان باید پاسخشان این باشد که عیسی سه روز و سه شب مرده بود. تناقض بین سخن عیسی و اجرای آن آشکار است. یونس زنده است، عیسی مرده! (دیدات، ۱۳۹۷، ص ۴).

از سوی دیگر، برخی اشکال کرده‌اند که سخنان عیسی مسیح علیه السلام (چنان که یونس علیه السلام) سه شبانه‌روز در شکم ماهی ماند، پسر انسان نیز سه شب و سه روز در شکم زمین خواهد بود، برای بسیاری از خوانندگان امروزی بسیار گیج‌کننده است؛ چراکه میان آنها و گزارش‌هایی که در جاهای دیگر، از زمان بین مرگ او و رستاخیز او ارائه شده است، ناسازگاری آشکاری وجود دارد. اینکه عیسی علیه السلام در غروب جمعه به خاک سپرده شد و صبح یکشنبه برخاست، در روایات انجیل به‌قدری واضح بیان شده و آن قدر به‌طور کلی به‌عنوان حقیقت پذیرفته شده است که باید به‌عنوان یک واقعیت ثابت تصدیق شود، اما این مطلب با این گفته که «او سه روز و سه شب در دل زمین بود» کاملاً

ناسازگار است (مک‌گاری، ۱۸۹۶، ص ۶۵).

در این باره باید به این نکته توجه داشت که رسم ثابت نویسندگان عبری این بوده است که کسری از یک سال یا یک روز را - در آغاز یا در پایان آن - یک سال یا یک روز بشمارند. این را می‌توان با مثال‌های فراوان و به‌ویژه با اعداد مشابه ثبت‌شده در کتاب‌های پادشاهان نشان داد. برای نمونه، *ایلیا* // *ایلام* در سال هجدهم سلطنت *یربعام*، پادشاهی سه‌ساله بر یهودا را آغاز کرد و با این حال در سال بیستم سلطنت *یربعام* درگذشت (اول پادشاهان، ۱۵: ۹۱-۹۰). ظاهراً این سه سال، بخشی از هجده‌سالگی *یربعام*، تمام نوزده‌سالگی و بخشی از بیست‌سالگی او را تشکیل می‌دهد. نمونه دیگر، *ناباب* است که سلطنت خود بر اسرائیل را در سال دوم *آسا* آغاز کرد و دو سال سلطنت نمود، اما در سال سوم *آسا* درگذشت (اول پادشاهان، ۱۵: ۲۸-۲۵). دو سال او، بخشی از سال دوم و بخشی از سال سوم *آسا* بود و ممکن است بیش از یک سال تمام نبوده باشد (مک‌گاری، ۱۸۹۶، ص ۶۵). بر این اساس، کوشیده شده است که راهی برای حل کردن ناسازگاری کلام عیسی علیه السلام درباره مدت زمان سه روز و سه شب - به‌عنوان مدتی که یونس علیه السلام در شکم ماهی بود و همچنین به‌عنوان نشانه عیسی علیه السلام که در زیر زمین خواهد بود - و مدتی که بر اساس اناجیل عیسی علیه السلام در قبر بوده است، ارائه شود.

۴-۲. دیدگاه اسلامی

با واکاوی منابع، به نظر می‌رسد که تفسیر نمونه‌شناسانه، خاص مسیحیت نبوده و در سنت اسلامی نیز با شکلی متفاوت از آن مواجهیم که در راستای اهداف خود از آن بهره برده است. برخلاف دیدگاه مسیحی (عهد جدید و آباء کلیسا) درباره نشانه بودن شخصیت‌های عهدی برای عیسی علیه السلام (در اینجا نشانه بودن یونس علیه السلام)، به نظر می‌رسد که قرآن نمونه‌شناسی مسیحی را انکار می‌کند و داستان پیامبران را در رابطه با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم روایت می‌کند و همچنین نمونه‌شناسی خود را گسترش می‌دهد.

در مجموع از عیسی علیه السلام در ۱۰۸ آیه در پانزده سوره مختلف قرآن به‌طور مستقیم نام برده شده است و آیات بسیار دیگری نیز به او اشاره دارند. مسیح‌شناسی یکی از موضوعات اصلی قرآن کریم است و منادی قرآن کریم (خداوند، پیامبر یا هر دو) و جامعه اولیه مسلمانان، به‌طور کامل و انتقادی با آن درگیر بوده‌اند. بدیهی است که دیدگاه قرآن به‌طور قابل توجهی با دیدگاه معمول مسیحیان درباره عیسی علیه السلام تفاوت داشته و دست‌کم در نگاه اول با برخی از اعتقادات اصلی مسیحیان در تضاد باشد (خورشید، فون استوش، ۲۰۱۹، ص ۱-۲). بر این اساس می‌توان چنین گفت که با توجه به آیات قرآن درباره شخصیت عیسی علیه السلام، دو مطلب به‌دست می‌آید: یکی رد مسیح‌شناسی رایج و رسمی مسیحیت؛ و دیگری مسیح‌شناسی خاص قرآن (سلیمانی اردستانی، ۱۳۹۹، ص ۱۵۵).

با در نظر داشتن این مطلب که سوره‌های مرتبط با سرگذشت یونس علیه السلام (سوره‌های یونس، انبیاء، صافات و قلم) در دسته سوره‌های مکی قرار می‌گیرند. جالب است اگر بگوییم که در شمار موضوعات محوری ابلاغ در دوران میان‌مکی، با نوعی از کلام مواجهیم که مبتنی بر نشانه‌هاست و به‌تدریج آشکار می‌شود و البته در همان دوران مکی

متقدم، به صورت ضمنی حضور داشته است، اما اینک وقت تغییر نشانه‌های خدا (آیات) فرارسیده است که در آفرینش، در فعل تاریخی خدا و در تأثیر گذاری او، یا به عبارتی دیگر، در ابلاغ اشخاص برگزیده آشکار می‌شود. در اینجا، فرستادگان (رسول) با اسامی شان معرفی می‌شوند و یادآوری می‌شود که رسالت اصلی آنها ابلاغ نشانه‌های خداست و در این میان، برخی افراد برگزیده به سبب رحمت خداوند، خود به نشانه تبدیل می‌شوند. عیسی علیه السلام نیز به این شیوه برجسته می‌شود. از این رو با در نظر داشتن مفهوم نشانه‌ها، که به همان اندازه به مسیحیان مربوط می‌شود و در مسیحیت رایج است، می‌توان توجه داشت که منادی قرآن به دنبال تخصیص این اصطلاح و گسترش معانی احتمالی آن است. آنچه قابل توجه است، این است که فهرست پیامبران مختلف در بخش میانی سوره‌ها، نه تنها شامل شخصیت‌های عهدی، بلکه شامل چهره‌های عهدی / عرب باستان نیز می‌شود. این امر ماهیت فراگیر آموزهٔ رسولی قرآن را نشان می‌دهد که سرنوشت مردم و افراد دیگر را تصدیق می‌کند و آنها را بخشی از تاریخ نجات کتاب مقدس می‌داند. جامعهٔ اطراف پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نیز متقاعد شده‌اند که او نیز منادی نشانه‌هایی است که در قالب پیام‌های الهی به او داده شده است. بنابراین به الهیات نشانه‌ها پایبند است و افق مضامین کلاسیک مسیحی را گسترش می‌دهد. این نباید به عنوان انتقادی از مسیحیت تلقی شود، بلکه صرفاً به عنوان تخصیص تازه‌ای از ایده‌های اصلی موضوعی است که در شبه جزیرهٔ عربستان در اواخر دوران باستان مورد بحث قرار می‌گرفت (غفار، ۲۰۱۹، ص ۱۳۱).

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در دوران مکی، در ابلاغ خود با عدم پذیرشی شدید روبه‌رو می‌شود. «تسلای پیامبر» از ناحیهٔ خداوند که به او در رسالتش اطمینان می‌بخشد و هشدار می‌دهد که اندوهگین نباشد و صبورانه این رد و انکار پیامش را تحمل کند، به نحوی فزاینده جزء اصلی ترکیبی در انتهای یک سوره می‌شود. شرایط سخت پیرامون او و جامعه‌اش موجب یادآوری وحی در خصوص فرستادگان، یا به عبارت دیگر، رسولان پیشین و سرنوشت ایشان می‌شود. در دوران میان مکی، آموزه‌های مبتنی بر رسولان در پیامبرشناسی قرآن پدیدار می‌شود که تعامل میان رسولان و مخاطبان آنها را از نظر نمونه‌شناسی در عمل نجات بخش فراگیر و همیشگی خداوند قرار می‌دهد (غفار، ۲۰۱۹، ص ۱۳۲). توضیح بیشتر آنکه می‌توان الگویی ثابت را در سوره‌های دوران میان مکی ملاحظه کرد که مطابق آن خداوند رسولان را به سوی اقوام ارسال می‌کند، آن اقوام به خاطر حالت سرکشانه و مقاومتشان در برابر فرستادهٔ خدا مجازات می‌شوند ولی خداوند از رسول خود محافظت می‌کند.

برای نمونه، آیهٔ «فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْأُخْتِ إِذْ نَادَى وَهُوَ مَكْظُومٌ؛ پس در [امثال] حکم پروردگارت شکیبایی ورز و مانند همدم ماهی [یونس] مباش؛ آن گاه که اندوهزده ندا درداد» (قلم: ۴۸)، به طور ضمنی به نشانه بودن یونس علیه السلام اشاره دارد، اما این اشاره در راستای پیامبرشناسی خاص قرآن کریم است، نه در جهت مسیح‌شناسی. در این خصوص می‌توان آیه را این گونه تحلیل کرد که خداوند در اینجا تصویری از یونس علیه السلام ارائه می‌دهد و از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می‌خواهد که در شرایط مشابه، با در نظر داشتن این الگو و نشانه، مانند

یونس علیه السلام رفتار نکند.

هسته سوره‌ها در دوران میان‌مکی حاوی چندین داستان درباره پیامبران است که نگرش خصمانه و انکارکننده اقوام مختلف را به رسولان پیشین بازگو می‌کند. در تمام این داستان‌ها، خداوند از فرستاده خود محافظت کرده، آن اقوام را به سبب رفتار سرکشانه و مقاومتشان در برابر فرستاده خدا مجازات می‌کند. خطبه‌های آبی کلیسای سربانی تلاش‌های بسیار مشابهی را برای تعریف نمونه‌شناسی از همان داستان‌های عهد عتیق نشان می‌دهند و همه آنها را به‌عنوان پیش‌نمایی از عیسی مسیح علیه السلام تفسیر می‌کنند؛ حتی در صورت عدم ارتباط نزدیک با اجتماعات مسیحی، می‌توان به‌طور معقول تصور کرد که این‌گونه تفاسیر نمونه‌شناسانه، در اواخر دوران باستان رواج داشته و بنابراین دستیابی به این فن و تطبیق آن با اهداف خود، برای منادی قرآن آسان بوده است. در هر صورت، هدف پیامبرشناسی در سوره‌های دوران مکی میانی، هنوز ایجاد گفت‌وگو با گروه‌های مسیحی نیست، بلکه ارائه اطمینان و جودی به جامعه قرآنی نوظهور در شرایط محیط متخاصم در مکه است (غفار، ۲۰۱۹، ص ۱۳۳-۱۳۴).

همچنین درباره نحوه واکنش قرآن کریم به این برداشت‌های نمونه‌شناسانه می‌توان گفت: قرآن با حذف بخش‌هایی از داستان یونس علیه السلام که در میان مسیحیان رایج بوده است و آنها از آن در راستای برقراری ارتباط میان یونس علیه السلام و مسیح علیه السلام بهره می‌جسته‌اند، در جهت رد این عقیده گام برداشته یا در نظر داشته است تا با استفاده از این روش، عقاید رایجی را که مخالف با آموزه‌هایش بوده‌اند، از میان بردارد و آن عقاید را کم‌اهمیت جلوه دهد.

فراتر از حضور روش تفسیری نمونه‌شناسانه در بیان قرآن کریم، این مسئله به‌عنوان یک روش تفسیری در روایات و نگاه‌های تفسیری شیعی پساقرائی نیز مشهود است و به‌عقیده برخی، روش تفسیر نمونه‌شناسانه و پیش‌نمون‌شناختی، برجسته‌ترین روش در تفاسیر امامی متقدم به‌شمار می‌رود (برآشر، ۱۹۹۹، ص ۱۰۴). با وجود روایات متعدد در این زمینه، صرفاً به‌عنوان نمونه‌ای از کاربرد این روش می‌توان به روایتی از امام باقر علیه السلام اشاره کرد که ایشان میان امام زمان علیه السلام و چند تن از پیامبران مشابهت برقرار کردند. در این‌باره آمده است:

در قائم آل محمد علیه السلام شباهتی با پنج تن از انبیا وجود دارد: یونس بن متی علیه السلام، یوسف بن یعقوب علیه السلام، موسی علیه السلام، عیسی علیه السلام و محمد علیه السلام. اما شباهت او با یونس بن متی علیه السلام آن است که وقتی پس از غیبت خود در کبر سن بازمی‌گردد، جوان است. شباهت او با یوسف بن یعقوب علیه السلام آن است که از خاص و عام غایب می‌شود و از برادرانش نیز پنهان است و امر او بر پدرش هم پوشیده است، با آنکه مسافت بین او و بین پدرش و خاندان و اطرافیانش کم بود. شباهت او با موسی علیه السلام دوام خوف و طول غیبت و خفای ولادت و رنج یارانش پس از اوست که آزار و اذیت و خواری می‌بیند، تا آنکه خدای تعالی اذن ظهور دهد و او را بر دشمنانش نصرت و تأیید فرماید، شباهت او با عیسی علیه السلام اختلافی است که درباره وی شکل گرفته است؛ به‌نحوی که برخی گویند: متولد نشده؛ گروهی گویند: فوت کرده و عده‌ای گویند: کشته شده و به‌صلیب آویخته شده است؛ و اما شباهت او با جدش محمد علیه السلام خروج او با شمشیر است و اینکه او دشمنان خدا و رسولش و جبارین و طواغیت را خواهد کشت (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۳۲۷).

شاهد دیگری برای حضور این روش در سنت اسلامی، کلام/ابن‌عربی است. او در *فصوص الحکم* و در بحث

درباره «فصّ حکمت فردی در کلمه محمدی» - آگاهانه یا غیرآگاهانه - در واقع تصویری نمونه‌شناسانه از پیامبر اسلام ﷺ ارائه می‌دهد: از آن جهت حکمتش فردی است که او کامل‌ترین موجود در نوع انسان است؛ از این‌روی که کار پدو آغاز و انجام یافت. او پیغمبر بود، درحالی‌که آدم هنوز بین آب و گل بود؛ سپس به نشئه عنصری‌اش پایان‌بخش پیامبران است (ابن عربی، ۱۳۸۶، ص ۴۱۱). اشاره/بن‌عربی به این مطلب که پیامبر اسلام ﷺ کامل‌ترین انسان است را می‌توان نمونه‌شناسانه در نظر گرفت؛ با این توضیح که ایشان تمامی ویژگی‌های پیامبران پیشین را دارا هستند و براین‌اساس پیامبران پیشین «نمونه‌ای» برای آن حضرت‌اند.

نتیجه‌گیری

۱. داستان قرآنی یونس ﷺ بیش از آنکه با داستان کتاب مقدس همسو باشد، به داستان ایشان در نوشته‌های آبای کلیسا، که بازتابی از عقاید مسیحیان عصر نزول است، شباهت دارد و با این داستان، مواجهه و گفت‌وگو دارد.
۲. مواجهه قرآن با روایات پیشین از داستان یونس ﷺ و به‌ویژه استفاده از مضامین و درون‌مایه‌های سنت مسیحی را می‌توان یک رابطه بینامتنی بین قرآن و متون پیشین دانست که قرآن با یکی از الگوهای بینامتنی، بخش‌هایی از آن را تأیید، اصلاح یا حذف / رد می‌کند.
۳. یکی از مؤلفه‌های بارز تفاسیر مسیحی و نوشته‌های آبای کلیسای سریانی، در برداشتن برداشت‌های نمونه‌شناسانه است که پیامبران عهد قدیم را نمونه‌ای برای عیسی ﷺ می‌بینند و درباره داستان یونس ﷺ خاستگاه این برداشت‌ها را می‌توان در اناجیل پیگیری کرد.
۴. قرآن نمونه‌شناسی مسیحی را انکار می‌کند و با ارائه شکلی متفاوت با آن، داستان پیامبران را با محوریت پیامبر اسلام ﷺ روایت می‌کند و همچنین نمونه‌شناسی و پیامبرشناسی خاص خود را توسعه می‌دهد.
۵. یکی از شیوه‌های مواجهه قرآن با برداشت‌های نمونه‌شناسانه، حذف عناصر داستان است. قرآن با حذف بخش‌هایی از داستان یونس ﷺ، که در میان مسیحیان رایج بوده است و از آن در راستای برقراری ارتباط میان یونس ﷺ و مسیح ﷺ بهره می‌جسته‌اند، در جهت رد این عقیده گام برداشته یا در نظر داشته است تا با استفاده از این روش، عقاید رایجی را که مخالف با آموزه‌هایش بوده‌اند، از میان بردارد و آن عقاید را کم‌اهمیت جلوه دهد.

منابع

کتاب مقدس.

ابن عربی، محمدبن علی، ۱۳۸۶، *متن و ترجمه فصوص الحکم*، ترجمه محمد خواجوی، تهران، مولی.

_____، ۱۳۹۵، *کمال الدین و تمام النعمه*، چ دوم، تهران، اسلامیه.

دیدات، احمد، ۱۳۹۷، «نشانه یونس چه بود؟». ترجمه علی حسن نیا و اکرم اسدی خوری، *احسن الحدیث*، ش ۵، ص ۷۱-۷۰.

سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم، ۱۳۹۹، *درآمدی بر الهیات تطبیقی اسلام و مسیحیت*، چ چهارم، قم، کتاب طه.

عزیز، فهیم، ۱۳۹۵، *دانش تفسیر در سنت یهودی - مسیحی*، ترجمه علی نجفی نژاد، چ دوم، قم، دانشگاه مفید.

نامورمطلق، بهمن، ۱۳۸۶، «ترانمیتب مطالعه روابط یک متن با دیگر متن‌ها»، *ادبیات و علوم انسانی*، ش ۶، ص ۸۳-۹۸.

Bar-Asher, Meir, 1999, *Scripture and Exegesis in Early Imāmī Shiism*, Leiden, Brill.

Barnes, Albert, 1949, *Barnes New Testament Notes*, Grand Rapids, Baker Book House.

Beale, Stephen, 2014, *9 Ways Jonah Prefigured Jesus*, Accessed on Dec. 14, 2022, <https://catholicexchange.com/9-ways-jonah-prefigured-jesus/>.

Bedjan, Paul, 1908, *Homiliae selectae Mar-Jacobi Sarugensis*, Leipzig: Paris, Harrassowitz.

Brock, Sebastian, 2006, "Memra", In: *Brill's New Pauly*, ed. Hubert Cancik; Helmuth Schneider, from Brill, Accessed on Dec. 16, 2022, https://referenceworks.brillonline.com/entries/brill-s-new-pauly/memra-e731600?s.num=4&s.q=*memra.

Brock, Sebastian, Kiraz, George, 2015, "ܡܡܪܐ", In: *Gorgias Concise Syriac-English, English-Syriac Dictionary*, Piscataway, Gorgias Press, from Beth Mardutho, Accessed on July 22, 2022, <http://sedra.bethmardutho.org/lexeme/get/8157>.

Chapman, John, 1999, "Fathers of Church", In: *The Catholic Encyclopedia*, ed. Charles Herbermann, New York, The Encyclopedia Press.

Elliott, Charles, 1878, *A New Testament commentary for English readers*. New York, E. P. Dutton & Company.

Ghaffar, Zishan, 2019, "Jesus's Position in Qur'anic Prophetology", In: *The Other Prophet: Jesus in the Qur'an*, ed. Mouhanad Khorchide; Klaus von Stosch, translated by Simon Pare, London, Gingko Library.

Genette, Gärard, 1997, *Palimpsests: literature in the second degree*, translated by: Channa Newman; Claude Doubinsky, Lincoln, University of Nebraska Press.

Henry, Matthew, [n. d], *Matthew Henry's Concise Commentary on the whole Bible*, Grand Rapids, Christian Classics Ethereal Library.

Jesus-Jonah Parallels, 2016, by Pastor Dan, Accessed on Dec. 17, 2022, <https://archive.org/details/JesusJonahParallels/mode/1up>.

Khorchide, Mouhanad; Von Stosch, Klaus, 2019, *The Other Prophet: Jesus in the Qur'an*, translated by Simon Pare, London, Gingko Library.

McGarvey, John, 1896, *Jesus and Jonah*, Cincinnati, The Standard Publishing Company.

Orr, Mary, 2003, *Intertextuality: debates and contexts*, Cambridge, Polity.

_____, 2010, "Intertextuality", In: *The Encyclopedia of Literary and Cultural Theory*, ed. Michael Ryan, New York, Wiley-Blackwell.

Payne Smith, Jessie, 1903, *A Compendious Syriac Dictionary*, Oxford, Clarendon Press.

Reynolds, Gabriel Said, 2010, *The Qur'an and its biblical subtext*, Abingdon, Routledge.

Scott, David R, 2014, "The Book of Jonah: Foreshadowings of Jesus as the Christ", *BYU Studies Quarterly*, V. 53, N. 3, p. 161-180.

Smith, James, 2018, *Biblical Typology*, Morrisville, Lulu Press.

Syrus, Ephrem, 1989, *Ephrem the Syrian: Hymns*, translated by Kathleen McVey, New York, Paulist Press.